

گزیده و حس و حالی از نهج البلاغه

بر پایه ترجمه محمد دشتی

عماد انزوغ

علی بن ابیطالب (ع).
نهج البلاغه، فارسی، گزیده.
گزیده و حس و حالی از نهج البلاغه؛ بر پایه ترجمه محمد دشتی.
عماد افروغ.

تهران: کتاب نیستان، ۱۳۹۹.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۸-۷۲۷-۲
علی بن ابیطالب (ع)، امام اول، نهج البلاغه.
افروغ، عماد، گردآورنده.

BP ۳۸ / ۰۴۲

۲۹۷/۹۵۱۵

۶۱۲۳۵۰۰

گزیده و حس و حالی از نهج البلاغه

عماد افروغ

طرح و طراحی از حمید مازیار

کتاب نیستان

چاپ اول ۱۳۹۹ ۳۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۸-۷۲۷-۲

چاپ و صحافی: هنگام

نیستان: ۵-۲۲۶۱۲۴۴۳

۲۹۰۰۰ تومان

ارتباط با شما ۳۰۰۰۸۵۵۲

www.neyestanbook.com

فهرست

۹.....	مقدمه
۱۵.....	بخش اول. خطبه‌ها
۸۷.....	بخش دوم. نامه‌ها
۱۰۹.....	بخش سوم. حکمت‌ها

مقدمه

شاید بتوان علی را آوای آشنا و دل‌نشین فطرت و تبلور عینی آن دانست. سخنی آشنا که سواره شنیده‌ایم و شاید در مقاطعی که عمل کرده‌ایم، چشیده‌ایم. از گفته‌های او حکمت و شجاعت و عمل می‌بارد. چند بُعدی بودن او از حضائل و ویژگی‌های او است. علی (ع) را باید در زمین و برای زمینیان شناخت. با او می‌توان هم حق و هم باطل را خوب فهمید. حق و باطل، حق و حق‌نمایی، شجاعت و ترس، عمل و حرف، ظاهر به راحتی از هم تمییز داده می‌شوند.

همواره مترصد این فرصت بودم که روری از سر صبر و حوصله بر نهج‌البلاغه حضرت امیر (ع) و انتقال فرازهایی از آن به روزنگاشت‌هایم داشته باشم. پس از چندین ماه مطالعه و دقت در مضامین، بحمدالله این توفیق با بنده یار گردید تا در بازه زمانی یک ماهه از بیست و نهم بهمن ماه نمود و شش تا بیست و هفتم اسفند ماه همین سال این انتقال انجام شود. در حین مطالعه و انتقال، حس و حالی خاص دست می‌داد که می‌کوشیدم آن را بفهمم، کنم و در روزنگاشت‌هایم بازتاب دهم. حال که قصد دارم قبل از انتشار، این هفتم و پایانی دوره هفت ساله نگارش و چاپ روزنگاشت‌ها متن‌گزینش شده نهج‌البلاغه را به زیور طبع بیارایم، ترجیح دادم به جای ذکرش در مقدمه، این حس و حال در همان زمینه و قرینه خود و در لابه‌لای خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها، به خواننده عزیز منتقل شود. اعتقاد راسخ دارم که انعکاس این احساسات و حالات، نگارنده را در تحقق اهدافش از این کار بسیار موفق‌تر خواهد کرد. دوست دارم خواننده گرامی با خواندن این برداشتها که در طول اثر منتشر است و با مشارکت در آن همانند راقم این سطور، بسوزد و پرواز کند. متواضعانه در برابر این سخنان و مواضع حکیمانه زانو بزند و با حسی شگفت‌انگیز و ستودنی پیام‌ور و پیام‌وراند.

سال هاست که می‌خوانم و می‌نویسم، به جرات می‌توانم از سر صدق فریاد بزنم و مدعی شوم که سخنی حکیمانه‌تر از سخنان علی نشنیده و نخوانده‌ام. درست پس از مطالعه شهر خدا و اعترافات آگوستین قدیس بود که وارد دریای بیکران و جوشان و ناتمام و زایای نهج البلاغه شدم. سخت مبهوت دُرهای گران‌بهای این گفتار شدم. این سخنان به منزله شراب‌های نابی بودند که مرا مست خود کردند. و هرگاه بر آنها مرور می‌کنم باز مست و از خود بی‌خود می‌شوم و حالم خوش می‌شود. شگفت‌انگیز بودن این سخنان مرا بس که تمام دردهای روحی و روانی‌ام تسکین یابد. آن چنان غرق در عظمت این کلمات و شخصیت او می‌شوم که تمام دردهایم تسلا می‌یابد. غرق نگاه توحیدی و منظومه‌ای او، غرق در وجد عبادی، ساخت او از دنیا و آخرت، غرق در دردمندی و محرومیت‌زدایی او، غرق در عدالت‌خواهی و ستیز با ظلم و نفاق و جهل او، درد مقابله او با کانون تمرکز زر و زور و تزویر، غرق در اشک‌ها و مناجات شبانه و سر در چاه کردن‌های او، غرق در شجاعت و شهامت او. علی الگوی من است در تمام ساخت‌ها و عرصه‌های حیات، مرط فردی و اجتماعی‌ام. علی برای من مرد اخلاص و عمل است. علی بیش از آنکه مرد حرف و رعد و برق باشد، مرد عمل و باران است. به خدای علی سلام. به حل تمام معضلات ادوار مختلف حیات بشری و به طور خاص زمانه ماست. شاید شگفت‌انگیز بنماید، اما علی بیش از هر جای دیگری چاره دردهای ما در جامعه سنی ایران، به ویژه پس از انقلاب اسلامی است. علی کجاست که ببیند به نام او زبانش حکمرانی منتسب به او چه جفاها که در حق او نمی‌شود.

برخلاف سیره برخی عالمان دین، از نهج البلاغه مستفاد می‌شود که با شخصیتی روبه‌رو هستیم که نسبت به دردها و مشکلات دینی و دنیائی‌ها و بی‌دینی‌های حاکم بسیار ناآرام است و از نظر محتوایی همانند سبزه‌ای در آتش است و نمی‌تواند با خونسردی از کنار مشکلات مردم بگذرد. متأسفانه در شرایطی هستیم که این‌گونه منش‌ها و سلوک‌ها زیر سؤال می‌روند و شخصیت‌هایی آرام و بی‌توجه به دردها ستایش و ترویج می‌شوند. این هم‌دردی بر دردهای ما.

علی جان! از بیرون کشیدن خلخال از پا و گوشواره‌ای از گوش یک زن یهودی این‌گونه خروشیدی و مرگ را به جزای این کار در جامعه اسلامی و

حکمرانی اسلامی روا دانستی، اما کجایی که بینی عملاً خلخال‌ها بیرون می‌کشند و آب از آب تکان نمی‌خورد.

علی جان! تو مرد این دنیا و مقابله با سختی‌ها و گرفتاری‌هایش بودی، بین که چگونه به اسم تکریم و تعظیم تو، تو را فرادسترس و آسمانی کرده‌اند؟ علی! برای ته انسان حرمت و کرامت داشت، بین به نام تو چه اهانت‌ها که به انسان و مسلمانان در حکومت دینی نمی‌شود؟

علی جان! در اصل اینجاست که یادشان رفته است که تو مرد عملی، نه حرف. تو حکمت را بدیرفتی که مردم تنها سخنان خوب بشنوند. تو آمدی که مردم عمل خوب را عادت به ببند.

علی جان! در ثنای نه کتاب‌ها نویسند و در مدح تو شعرها می‌سرایند اما کسی نیست که نشانه‌های تو را در عمل و واقعیت جستجو کند. واقعیت آزادی‌خواهی و حریت، واقعیت عدالت‌خواهی و تبریع عادلانه بیت المال، واقعیت اخلاق و معنویت.

علی جان! تو فخر عالم بشریتی، اما مایلیم بهی از نکه گفتار تو را بسراییم، عمل عینیت‌یافته گفتار تو در نظام اسلامی - شیعی را بسراییم.

من که مست از سخنان حکیمانه و پر مغز تو شدم. حیفم آمد که اینم را به سهم خود ادا نکنم و دیگری را شریک فهم و حس و حال خود نکنم. باید مردم را با نهج‌البلاغه آشنا کرد، در هر حد ممکن. شاید مطالعه کل نهج‌البلاغه برای همگان امکان‌پذیر نباشد، سعی کردم حسب حالم گزیده‌هایی از نهج‌البلاغه را به مخاطب عزیز و دردمند و جستجوگر انتقال دهم. قصدم صرفاً انتقال گزیده‌هایی حسب حال و مقام است. قصدم ترجمه و شرح و تفسیر نیست. به نظرم باید مخاطب را عاقل پنداشت تا خود بخواند و بهره گیرد و غرق در عظمت مضامین شود و بسوزد و بسوزاند.